روزنه

درباره گروه فرقان و اکبر گودرزی

علی مطهری

● گروه فرقان گروهی است که در سال ۵۶ شکل گرفت. گرایش فکری آنها به مجاهدین خلق و آثار دکتر شریعتی بود و پشت جزوه‌های خودشان معمولا جملاتی از این دو منبع می‌نوشتند و وامدار تز «اسلام منهای روحانیت» بودند. بعد از آنکه شهید مطهری و مرحوم بازرگان اعلامیه مشترکی درباره آثار دکتر شریعتی منتشر و در آن به برخی اشتباهات او تصریح کردند، یک بمب صوتی مقابل منزل مهندس بازرگان منتشر شد که همه فکر می‌کردند کار ساواک است ولی کار گروه فرقان بود. رهبر آنها جوانی بیست‌وچندساله بود که سابقه طلبگی هم داشت و از حوزه‌های علمیه مختلف از جمله حوزه چهلستون تهران اخراج شده بود. او کم‌کم شروع کرد به نوشتن و انتشار جزواتی در تفسیر قرآن درحالی‌که سواد این کار را نداشت. آیات قرآن را تفسیر مادی می‌کرد و بر مارکسیسم منطبق می‌کرد و یک تز انقلابی هم به کار می‌برد. جزوات آنها در برخی دانشگاه‌ها راه پیدا کرده بود و جوان‌ها فکر می‌کردند اینها در راه امام خمینی هستند. تنها کسی که به مخالفت با آنها و آگاهی‌بخشی پرداخت، استاد مطهری بود. ایشان در مقدمه چاپ هشتم کتاب «علل گرایش به مادی‌گری» از این تفسیرها با لحن مشفقانه و با تعبیر «عزیزان من» انتقاد و نمونه‌هایی از اشتباهات فاحش آنها را بیان کردند. این امر بر آنها سنگین آمد و به استاد پیغام دادند که اگر این روش را ادامه بدهید با شما برخورد فیزیکی می‌کنیم. ایشان جواب دادند که من وظیفه‌ای دارم و باید انجام بدهم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی اینها آیت‌الله مطهری را در رأس شورای انقلاب دیدند، نمی‌توانستند این امر را تحمل کنند، بنابراین تصمیم به ترور ایشان گرفتند. آنها ارتباط نزدیکی با مجاهدین خلق داشتند و به نظر من منافقین آنها را برای ترور استاد جلو انداختند چون هنوز خودشان مشی مسلحانه را در پیش نگرفته بودند. اکبر گودرزی آدم بی‌سواد و کینه‌جو و لجباز و دارای عقده‌های روانی بود. در دادگاهش از او پرسیدند شما در جزوه‌های تفسیری‌تان در تفسیر آیه «ان الانسان لکنود» کنود را «بسیا کُند» معنی کرده‌اید درحالی‌که «کنود» عربی است و «کُند» فارسی. جوابی نداشت، فقط گفت ما بحث ایدئولوژیک با هم نداریم. او می‌فهمید که راهشان غلط است ولی حاضر نبود بپذیرد و اعتراف کند. خلاصه آدم خبیثی بود و با شهیدکردن آیت‌الله مطهری ضربه مهلکی به آینده انقلاب اسلامی و به حوزه‌های علمیه زد. چون شهید مطهری در صورت ادامه حیات، هم در حوادث انقلاب مؤثر بود و بسیاری از حوادث به شکل دیگری رخ می‌داد و هم حوزه علمیه قم را متحول و طلاب و روحانیون بسیاری را ترغیب می‌کرد و برنامه استاد و نظر امام نیز همین بود که ایشان در قم مستقر شوند ولی تقدیر الهی چیز دیگری بود. داستان گروه فرقان برای امروز ما باید درس‌آموز باشد. آنها تحت تأثیر افکار مارکسیستی، هرکس را که خانه خوب یا در شمال شهر داشت، مورد انتقاد و حمله قرار می‌دادند. به شهید مطهری انتقاد می‌کردند که چرا خانه‌اش در قلهک است و ماشین و راننده دارد. کارشان تظاهر و ریا بود. شیخی بود به نام آشوری از طلاب مشهد که مظهر این تظاهر و ریا بود و با گروه فرقان همکاری نزدیک داشت. همیشه لباس‌هایش وصله‌دار و کثیف بود و روی فرش نمی‌نشست و بسیاری از جوانان و دانشجویان را فریب داده بود. متأسفانه امروز هم افکاری شبیه افکار آنها پیدا شده. دائم می‌گویند خانه فلانی چند متر است و ماشینش داخلی است یا خارجی. ظاهر را چسبیده‌اند و محتوای اسلام را رها کرده‌اند. در سفر اخیر خودم به ارومیه زمانی که از جلوی ستاد انتخاباتی یکی از کاندیداها با خودروی میزبان رد می‌شدیم، چند جوان و نوجوان که من‌را شناخته بودند، آمدند جلو. مهم‌ترین حرفشان این بود که آقای مطهری چرا سوار ماشین خارجی شده‌اید؟ گفتم اولا این ماشین خارجی نیست و داخلی است، ثانیا ماشین من نیست و ماشین میزبان است، ثالثا چه اشکالی دارد که انسان سوار ماشین خارجی شود؟ بی‌اختیار یاد گروه فرقان و فضای سال‌های مشرف به پیروزی انقلاب افتادم و البته تأسف خوردم که چرا برخی جوان‌ها و نوجوان‌های ما این‌قدر سطحی شده‌اند و تحت تأثیر شعارهای عوام‌فریبانه قرار می‌گیرند.

خبر

حامیان رئیسی در تهران تجمع ندارند

● **شرق:** به نقل از کانال ابراهیم رئیسی: نیکزاد، رئیس ستاد رئیسی، در نامه‌ای خطاب به وزیر کشور نوشت: پیرو مکاتبات و پیگیری‌های مکرر گذشته و علی‌رغم گذشت چهار روز از اجرای انتخابات، متأسفانه وزارت کشور از ارائه شفاف نتایج و تفکیک صندوق‌های اخذ رأی خودداری می‌نماید. وفق قانون، نتایج شمارش آرا به تفکیک صندوق اعلام گردد. همچنین علی غلامی، سخنگوی ستاد انتخاباتی حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی، اعلام کرده است این ستاد هیچ فراخوانی برای تجمع در تهران یا استان‌های مختلف صادر نکرده و مخالف جدی چنین اقداماتی است.

فرقانیسم هنوز زنده است

نگاهی به کارنامه و اندیشه نخستین گروه تروریستی پس از انقلاب در سالگرد اعدام گودرزی

حسین جلالی: سوم خردادماه سالروز اعدام اکبر گودرزی، رهبر گروهک فرقان است. چندی پیش در جریان تبلیغات ریاست‌جمهوری، وزیر بهداشت در سخنرانی خود در مشهد گفت: «من هم مناظره‌ها را نگاه می‌کنم و مثل همه مردم ایران غصه می‌خورم». او با بازخوانی عقاید گروه فرقان و امثال جبیب‌الله آشوری، نگرانی خود را درباره رویه‌ای که منجر به ترور شهید مطهری شد ابراز کرد و گفت: «شهید مرتضی مطهری یکی از متفکرین بزرگ اسلامی بود که جای او امروز خیلی‌خیلی خالی است. البته نمی‌دانم او را امروز تحمل می‌کردند یا برای او هم حاشیه درست می‌کردند. انسان واقع‌بین و بزرگی بود، جزء بنیان‌گذاران انقلاب بود، ولی چطور شد که مطهری به شهادت رسید؟ این موضوع روز ما هم هست».

او در ادامه به مناظره‌ها اشاره کرد و گفت: «من هم مناظره‌ها را نگاه می‌کنم مثل همه شما و همه مردم ایران غصه می‌خورم و فکر می‌کنم ریشه آن چیست؟ ریشه‌اش هیچ چیز نیست جز خودخواهی، جز خودبینی، جز خودمحوری و جز خودشیفتگی. از اول اسلام هم که دچار انحراف شدیم خمیرمایه‌اش همین بود. آن زمان که نه آمریکا بود، نه اسرائیل بود، نه انگلیس بود و همه امت رسول‌الله بودند. زمانی از فوت پیامبر عظیم‌الشأن نگذشته بود که دچار تفرقه شدند».

قاضی‌زاده‌هاشمی در ادامه گفت: «آنها به این دلیل مرحوم مطهری را به شهادت رساندند که گفتند مطهری طرفدار پولدارهاست. به عنوان ام الکفر و مظهر اشرافی‌گری [علیه او] حکم صادر کردند و او را کشتند. یک بار شهید کامیاب به دلیلی مرا به خانه آشوری فرستاد. آشوری را می‌شناختم. خانه او خانه‌ای گلی بود و نمدی در آن افتاده بود و چاله‌ای وجود داشت که اجاق او بود و جالب است که یک دوچرخه خیلی فرسوده و قدیمی داشت و عینک خود را با سیم و چسب پیچانده بود. [او] مظهر فقر بود».

وزیر بهداشت دوباره به وضعیت امروز اشاره کرد و گفت: «بعضی‌ها هنوز فکر می‌کنند باید این مدلی بود و این مدل را تبلیغ می‌کنند. [در جریان تبلیغات انتخاباتی] در خیابان‌ها دیدم بچه‌های عزیزی که تحت تأثیر [این نگاه‌ها] هستند تابلو گرفته‌اند دستشان که خانه این کس را نشان دهید، آدرس خانه آن کس را نشان دهید و در تلویزیون سند علیه این فرد افشا کنید و...»

قاضی‌زاده‌هاشمی ادامه داد: «ریشه این کارها در همان تفکر فرقان است. آنها فکر می‌کردند خودشان اسلام را خوب می‌فهمند و دیگران خیر؛ بنابراین حکم صادر می‌کردند. مشکلی که داریم این است که آن خمیرمایه هنوز وجود دارد. مطهری شهید این نوع تفکر شد. معنی این اتفاق‌ها [در انتخابات] این است که فرقانیسم نمرده، بلکه هنوز هست. تفکر مجاهدین خلق که لعنت خدا بر آنها باد هنوز هست».

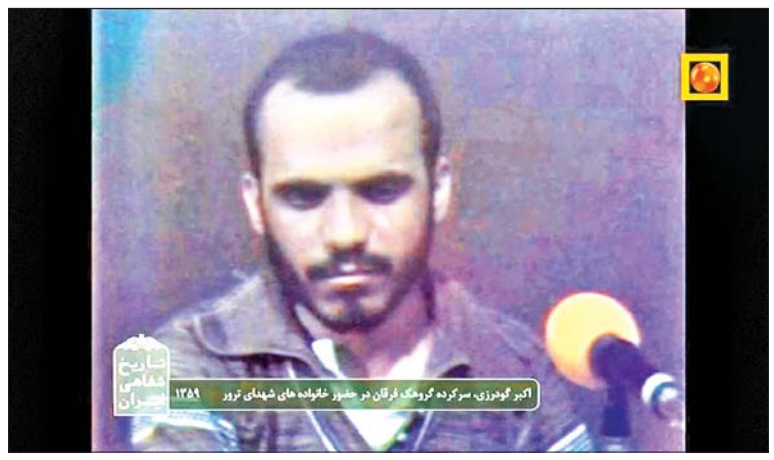

وزیر بهداشت در ادامه از بعضی از مبلغان مذهبی انتقاد کرد و گفت: «واقعا من تعجب می‌کنم، یک بار هم این را گفتم و به من اشکال گرفتند که چرا درباره دروغ حرف نمی‌زنید؟ چرا راجع به غیبت نمی‌گویید؟ چرا راجع به آبروی مؤمن چیزی نمی‌گویید؟ آبروی یک مؤمن را شما ببرید دیگر قابل جبران نیست. این که دیگر حق‌الناس است».

او ادامه داد: «همین‌جور هاج‌وواج نشسته‌ایم و نگاه می‌کنیم که همدیگر را زیر سؤال می‌بریم و تهمت می‌زنیم و نسبت ناروا می‌زنیم. این از نظرم من عین نگاه چپی‌ها و فرقانی‌هاست. در حکومتی که قوه قضائیه دارد و باید هرکسی را که جرم مرتکب می‌شود به آن رسیدگی کند و به احدی هم رحم نکند، آنها [فرقانی‌ها] خودشان تشخیص می‌دهند، افشاگری می‌کنند و حکم صادر می‌کنند».

هاشمی در ادامه گفت: «شما از قبل از انقلاب شاهد بودید. انقلاب کردیم، جنگ کردیم و احساس می‌کنیم راه را گم نکردیم. عده‌ای از راه می‌رسند، بی‌ریشه و بی‌اخلاق که ۲۵، ۲۶ سال هم بیشتر ندارند. بعد خبرگزاری و امکاناتی در اختیار آنها قرار می‌دهند و به هر قیمتی می‌خواهند قدرتی را تصاحب کنند که به هیچ‌کس وفا نکرده است».

او ادامه داد: «چه فایده‌ای دارد؟ اگر همه دنیا را به شما بدهند، اما بنا باشد متوسل شوید به فریب مردم، به دروغ و تهمت و آبروی همه را ببرید؟ این‌جوری می‌خواهید منتظر ظهور حضرت باشید؟ که آبروی همدیگر و کشورمان را ببریم. مگر این چیزها را ارزان به دست آوردیم که به این راحتی به تاراج می‌دهید و سیاه‌نمایی می‌کنید؟ این همه شهید دادیم، خانواده‌های اینها دارند ما را می‌بینند، خجالت نمی‌کشید؟».

فرقانسیم چیست؟

نگاهی اجمالی به گروهک فرقان کمی آدم را گیج می‌کند. شاید اصلی‌ترین دلیل این گنگی این باشد که گروه فرقان بیشتر از اینکه گفتمان مشخصی داشته باشد حول حب‌وبغض شکل گرفت و لباس دین و ایدئولوژی به تن کرد. به‌همین‌دلیل برای شناختن گروه فرقان (یا به تعبیر وزیر بهداشت فرقانیسم) بهتر است به رهبر فکری این جریان یعنی اکبر گودرزی توجه کرد.

محمد عطریان‌فر که در دستگیری گودرزی مشارکت داشته درباره رهبر فکری این گروهک می‌گوید: «گودرزی حقارت‌های خانوادگی داشت، فردی بلندپرواز بود. سرخوردگی‌هایی داشت که به دوران طلبگی‌اش بازمی‌گشت. یادم هست سال‌های ۵۶ و ۵۷ در تهران کانون‌هایی وجود داشت که این طلبه منحرف، با سنی اندک، جماعتی از بچه‌های علاقه‌مند به فعالیت‌های مذهبی را به سوی خود جذب می‌کرد». گودرزی در آن دوران ۲۰ سال بیشتر نداشت و شروع به تفسیر قرآن کرده بود، برای نمونه «آیه «ان الله هو التواب الرحیم» را او این‌طور ترجمه کرده بود: خداوند پیکارگر انقلابی است!».

وزیر بهداشت در صحبت‌های خود از عقاید حبیب‌الله آشوری گفت و خاطره‌ای نیز از او تعریف کرد. جالب است که مرحوم علی دوانی در کتاب خاطرات خود از شهید مطهری روایتی از او نقل می‌کند که با خاطره دکتر هاشمی هم‌خوانی دارد. مطهری درباره آشوری می‌گوید «این شیخ را من می‌شناسم، شیخ جسور و رودارى است، مشهدی است. چند وقت پیش هم در مسجد قبا بعد از نماز آقای مفتح منبر می‌رفت. مثل اینکه دستی او را می‌گرداند و جسورتر می‌کند. آمده بود خانه ما که نیم ساعت با شما کار دارم؛ ولی بیش از یک ساعت ماند و حال من را گرفت. با جسارت گفت تو نباید در قلهک و بالای شهر باشی، باید بروی میدان شوش و پایین شهر و میان مردم عادی. گفتم: آشیخ! اگر من با این حجم کار که دارم، بروم میدان شوش میان آن شلوغی دیوانه می‌شوم».

عقاید و خلقیات آشوری و گودرزی درخورتوجه است. برای نمونه مرتضی الویری تعریف می‌کند که «موقعی که رفتند او [گودرزی] را دستگیر کنند، در یک اتاق ۴×۳ با یک زیلوی مندرس و اسباب و اثاثیه فوق‌العاده ساده زندگی می‌کرد. در همان خانه ۳۵۰ هزار تومان پول نقد وجود داشت! که در آن زمان پول بسیار هنگفتی بود؛ یعنی پول کافی در آن خانه وجود داشت؛ ولی او نان و پنیر می‌خورد! و زندگی فوق‌العاده ساده‌ای داشت. گروه فرقان یک گروه واقعا اعتقادی از همان سنخی بود که می‌گویند در صدر اسلام هم بودند و از کثرت نماز، پیشانی‌شان پینه بسته بود... . طوری گرفتار شده بودند که هرگز حاضر نبودند خارج از چارچوب فکری خودشان به مسائل دیگری هم فکر کنند».

گروه فرقان در مجموع صد تا ۱۲۰ نفر بیشتر نبودند. گودرزی و مجموعه عوامل تحت نظرش در تهران حداکثر ۴۰ نفر و عناصر عمل‌کننده آنها کمتر از ۲۰ نفر می‌شدند. گروه فرقان متأثر از زمانه خود نقطه تلاقی مبارزات مسلحانه و تروریستی با خوانشی سرمایه‌ستیز (یا شاید ستایش فقر) از دین بود. این گروه اردیبهشت تا آذر ۵۸، در هشت ماه، چندین عملیات ترور داشتند که در هشت مورد موفق بودند. به جز شهیدان مطهری، مفتح و قرنی، در میان ترورشده‌ها فردی به نام حاج ترخانی - یک شخصیت مبارز بازاری -هم وجود داشت. او کسی بود که ظاهرا قبل از انقلاب به گودرزی برای فعالیت‌های فرهنگی کمک مالی می‌کرد؛ اما در مقطعی به این نتیجه می‌رسد که دیگر نباید از گودرزی حمایت کند و کمک‌هایش را قطع می‌کند. دراین‌باره خود گودرزی شخصا دستور ترور داده بود. آنها یک فرد یهودی را هم ترور کردند (که معتقد بودند رابط صهیونیسم است). آیت‌الله آقارضی شیرازی هم مانند هاشمی‌رفسنجانی از ترور جان سالم به در برد. او نوه مرحوم آیت‌الله میرزای‌شیرازی، مجتهد معروف عصر ناصری، است. از مجموعه اعترافات بازداشت‌شدگان مشخص شد در فهرست ترورها افرادی ازجمله موسوی‌تبریزی و ناطق‌نوری و ولایتی هم قرار گرفته بودند.

اعترافات جعبه سیاه

ادامه از صفحه اول

اسماعیلی همچنین گفت: «در این پرونده بخشی از دادنامه از سوی دیوان‌عالی کشور نقض شده است که به اعتبار ارجاع به شعبه هم‌عرض در شعبه رسیدگی می‌شود. این موضوع باعث شد که فرایند رسیدگی به این پرونده بعد از ارجاع به شعبه هم‌عرض طولانی شود و مبتنی‌بر اطلاعات جدید و تحقیقات تکمیلی تصمیم خوبی را اتخاذ خواهیم کرد».

اما «ع.ز» کیست و چقدر در پرونده بابک زنجانی نقش داشته است؟ ۲۶ دی سال گذشته بود که رئیس پلیس بین‌الملل ناجا اعلام کرد یکی دیگر از عوامل اصلی این پرونده شناسایی و دستگیر و به مقامات قضائی تحویل داده شده است؛ اتفاقی که باعث شد وکیل بابک زنجانی اعلام کند به دلیل اینکه این فرد در عملیات اجرائی تحویل نفت نقش اساسی و کلیدی داشته، به کشف حقیقت کمک زیادی می‌کند. سردار مسعود رضوانی همچنین اعلام کرده بود که ردیابی و استرداد «ع.ز» با درخواست مقامات قضائی در دستور کار پلیس بین‌الملل قرار گرفته بود.

او جزئیات دستگیری را هم این‌گونه بیان کرده بود: «ابتدا این فرد در کشور مالزی در شرق آسیا ردیابی، شناسایی و دستگیر شد، اما متأسفانه با تبانی‌های صورت‌گرفته مجددا متواری شد که در ادامه فرایند ردیابی، فرد مذکور در یکی از کشورهای آمریکای‌مرکزی ردیابی، شناسایی و با همکاری پلیس این کشور دستگیر شد که براساس تعاملات پلیسی توانستیم متهم را به داخل کشور بازگردانیم».

کشوری که «ع.ز» در آن دستگیر شد «دومینیکا» نام دارد که برای جلب سرمایه برای توسعه اقتصادی کشورش، در مقابل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دولتی، تابعیت و حقوق شهروندی دومینیکا را به سرمایه‌گذار اهدا می‌کند که این متهم در آنجا تشکیلاتی به نام «تجارتخانه دومینیکای من» داشت.

نقش پررنگ در پرونده

به نظر «ع.ز» همان «علیرضا زیباحالت‌منفرد» باشد که در کارها و امورات بابک زنجانی نقش فراوانی داشته است و بارها در دادگاه نام او برده شده بود. در نوزدهمین جلسه دادگاه، متهم ردیف دوم پرونده نفتی اعلام کرد امور نفتی بابک زنجانی در اختیار فردی به نام «ع. ز. م» قرار داشته است که همه کارهای نفتی از جمله محموله، تخلیه کشتی‌ها و اجاره مخازن نفت را انجام می‌داده و با توجه به اختیارات وسیع او، کسی حق دخالت نداشته است. همچنین در بیستمین جلسه دادگاه، قاضی صلواتی از پشت پرده هزینه‌کرد ۵۰۱ میلیون دلار پول نقد دریافتی از شرکت «فال» سخن گفت که «ع.ز.م» ۵۰ میلیون دلار هزینه انبارداری گرفته است. در بیست‌وچهارمین جلسه دادگاه نیز متهم ردیف سوم پرونده فساد نفتی گفته بود که واسطه خرید بانک fiib در مالزی آقای «م» بوده است. همچنین در سند بانک «ارزش» در تاجیکستان که متعلق به بابک زنجانی بوده، از علیرضا زیباحالت‌منفرد به‌عنوان صاحب‌امضای مجاز در تمام مراحل قانونی و حقوقی به نیابت از بانک نام برده شده است.

۲۸ دی‌ماه نیز دادستان تهران از این متهم به‌عنوان «جعبه سیاه» پرونده بابک زنجانی نام برده و گفته بود: «این متهم که در سال ۱۳۸۹ با زنجانی آشنا شده، به‌لحاظ نفوذی که در کشور مالزی داشته؛ به‌گونه‌ای که مقام مشورتی داتو را دریافت کرده، موفق می‌شود مجوز فعالیت بانک اف.آی.آی.بی (First Islamic international bank) را برای اقدامات مجرمانه زنجانی اخذ کند، اما پس از دستگیری زنجانی، از ورود به کشور امتناع کرد».

جعفری‌دولت‌آبادی همچنین گفته بود: «متهم با استفاده از ارتباطات خود و اخذ ۵۰۰ میلیون تومان حق‌الزحمه، بانک مذکور را به مبلغ چهار میلیون دلار برای بابک زنجانی خریداری می‌کند. بابک زنجانی همچنین با خرید بانک کنت در تاجیکستان، با توجیه فراهم‌شدن زمینه پرداخت دستمزد پیمانکاران شرکت ملی نفت در خارج از کشور، موفق می‌شود دو بانک مذکور را به مبلغ ۱۶۰ میلیون یورو به بانک ملت واگذار کند».

او در ادامه گفته بود: «تحقیقات نشان می‌دهد این فرد در خریدوفروش محموله‌های نفتی بابک زنجانی نقش داشته و پس از تأسیس بانک اف.آی.بی درواقع پروژه بابک زنجانی تکمیل شد؛ چراکه این پروژه یک بانک کم داشت که با کمک «ع.ز.م» خریداری شد تا در بستر آن، بابک زنجانی اقدامات مجرمانه‌اش را انجام دهد. او همچنین محموله‌های نفتی دریافتی از سوی بابک زنجانی از وزارت نفت را از طریق یک شخص هندی‌تبار، به شرکت‌هایی از جمله العقیلی در امارات می‌فروخته است». جعفری‌دولت‌آبادی در آن زمان ابراز امیدواری کرده بود که با تحقیق از این متهم، سرنخ‌های لازم برای کشف وجوه حاصل از فروش محموله‌های نفتی به بابک زنجانی به دست آید.

گره‌گشایی جعبه سیاه

همین صحبت‌های دادستان تهران سبب شد تا یک روز بعد از آن، وکیل بابک زنجانی که حکم اعدام او را در جیب دارد، «درخواست اعاده دادرسی» موکلش را به دیوان‌عالی کشور تقدیم کند.

رسول کوهپایه‌زاده درهمین‌باره به ایسنا، گفته بود: «مطابق بند «ج» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، پس از صدور حکم قطعی، اگر واقعه جدیدی حادث یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه شود یا بی‌تقصیری او را ثابت کند، اعاده دادرسی پذیرفته می‌شود و ما هم در این زمینه اسناد و مدارک و دلایل خود را ارائه دادیم و به طور مشخص به صحبت‌های دادستان تهران که گفته است دستگیری و استرداد «ع.ز.ح.م» جعبه سیاه پرونده است، اشاره کردیم. جعبه‌سیاه یعنی حقایق ناب و تأثیرگذار که تا حالا به آن دسترسی وجود نداشته است؛ بنابراین این را اقتضا می‌کند که پرونده موکلم درباره اجرای مجازات سالب حیات تا بررسی دقیق و انجام تحقیقات کامل و صدور رأی قطعی درباره «ع.ز.ح.م» از دایره اجرا فاصله بگیرد».

به نظر می‌رسد با اعترافات «جعبه‌سیاه» پرونده بابک زنجانی وارد مرحله جدیدی شود، پرونده‌ای که در چهار سال دولت یازدهم یکی از خبرسازترین‌ها بود که حتی در مناظره‌های انتخاباتی هم نامی از آن برده شد. یکی از نامزدها، ستاد حسن روحانی در سال ۹۲ را متهم به دریافت پول از بابک زنجانی کرد و البته برای ادعای خود نتوانست مدرکی ارائه دهد. بیژن زنگنه، وزیر نفت دولت روحانی، نیز در یک سخنرانی انتخاباتی با بیان اینکه «تحریم‌ها برای بابک زنجانی نعمت بود، نه مردم» به طعنه گفته بود: «از زمان هجرت پیامبر اکرم تا به امروز ۴۴ میلیارد ثانیه گذشته است و بابک زنجانی ۳۰۰ برابر آن پول ملت را خورد. او ساعتی یک‌میلیون و ۸۰هزار تومان پول مملکت را بالا کشید. الان هم راحت می‌چرخد و به ریش همه ما می‌خندد. هفته‌ای یک‌بار هم از ما شکایت می‌کند که چرا به من اتهام دزدی زدید». باید دید همکاری‌های «ع.ز» در نهایت پول‌های به‌بادرفته را به خزانه بازمی‌گرداند؟

رئیس مجلس با انتقاد از کاستی‌ها در روند رأی‌گیری: طرحی برای ساماندهی بهتر انتخابات ارائه شود

ایسنا: علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی روز گذشته با تبریک پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، به کمیسیون شوراها مأموریت داد با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس، وزارت کشور و شورای نگهبان طرحی برای ساماندهی بهتر انتخابات ارائه دهد.

رئیس مجلس تصریح کرد: «در مسیر انتخابات مخصوصا روز رأی‌گیری، برخی کاستی‌ها مشاهده شد ازجمله زمان رأی‌گیری که باعث خستگی مردم شد و همچنین درباره شرایط کاندیداهای ریاست‌جمهوری منطبق با قانون اساسی نیاز به ضوابط روشن‌تر است؛ مخصوصا در زمینه مکانیزه‌کردن انتخابات که قبلا در قوانین مربوطه مورد تأکید واقع شده بود. از حالا پیگیری و نظارت شود که برای انتخابات بعدی، با شرایط آسان‌تری ملت عزیز رأی خود را در صندوق‌ها بیندازند».

لاریجانی در بخش دیگری از نطق میان‌دستور خود با اشاره به اجلاس ریاض، گفت: اینکه رئیس‌جمهور آمریکا در ابتدای صحبتش گفت چقدر پول از دولت سعودی گرفته تا در این اجلاس شرکت کند، نکته جالبی است که قابل باور نبود به صورت علنی گفته شود. آمریکایی‌ها، ریاض را مرکز مبارزه با تروریسم اعلام کردند. کار درستی بود؛ زیرا مرکز صدور تروریسم همان‌جاست. اگر آمریکا موفق شود مانع ارسال پول، سلاح و افراد مسلح از عربستان به سایر نقاط شود، دیگر نه برج دوقلو در نیویورک منفجر می‌شود، نه هزاران نفر از مردم بی‌گناه عراق، سوریه و لبنان کشته و زخمی می‌شوند. او ادامه داد: از عجایب روزگار این است که سعودی‌ها و آمریکا علمدار مبارزه با تروریسم شدند. از گزارش اخیر مسئولان آمریکا درباره ۱۱ سپتامبر از سوی القاعده هنوز چند ماه نمی‌گذرد که آنها مقامات سعودی را در ماجرای ۱۱ سپتامبر دخیل دانستند. آیا تردیدی وجود دارد که داعش و النصره با کمک سعودی‌ها و برخی کشورهای کوچک منطقه، ایجاد و حمایت شده‌اند؟

دریچه

فعالان سیاسی مطرح کردند:

۲۹ اردیبهشت ادامه دوم خرداد

● **ایلنا:** سالگرد دوم خرداد ۷۶ در حالی رسید که فعالان سیاسی، انتخابات بیست‌ونهم اردیبهشت را با آن حماسه مقایسه کرده و این انتخابات و نتایج آن را متأثر از خرداد ۷۶ و هدایت رئیس دولت اصلاحات دانستند.

دراین‌باره، محمد نعیمی‌پور، با اشاره به بیستمین سالگرد حماسه دوم خرداد سال ۷۶ گفت: در آن دوره فضای باز سیاسی ایجاد شد و مردم توانستند آزادانه حرف‌هایشان را بدون احساس خطر از جانب دولت بیان کنند. همین فضا چهره ماندگاری از رئیس دولت اصلاحات بر جای گذاشت که تاکنون هم اثرات آن باقی مانده است.

او گفت رفتار صحیح در دولت‌داری و مردم‌داری خاتمی سرمایه اجتماعی بزرگی را به وجود آورد که هنوز مردم از آن به نحو احسن استفاده می‌کنند.

عبدالله ناصری هم، درباره نتیجه انتخابات در ۲۹ اردیبهشت گفت: قطعا رأی مردم در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ تداوم دوم خرداد ۷۶ است که در آن شخصیتی چون رئیس دولت اصلاحات سکان امور اجرائی کشور را به دست می‌گیرد و امروز مشاهده می‌کنیم که پیامش مردم را به پای صندوق‌های رأی می‌آورد.

او گفت: در دوم خرداد ۷۶ مردم خواستار مطالباتی در چارچوب قانون کشور شدند که مدت زیادی نادیده گرفته شده بودند. در ۲۹ اردیبهشت نیز مردم در همان مسیری گام برداشتند که ۲۰ سال پیش عده‌ای دیگر به تفکر اصولگرایی مخصوصا بخش رادیکالی آن که چندین دوره مجلس و ریاست‌جمهوری را برعهده داشتند، نه گفتند.

محمد کیانوش‌راد هم، درباره رأی مردم در روز ۲۹ اردیبهشت گفت: نتیجه‌ای که ۲۹ اردیبهشت از صندوق‌ها بیرون آمد، می‌تواند تداوم تلقی دوم خرداد ۷۶ باشد.

او گفت: همان اهدافی که در سال ۷۶ مردم به دنبالش بودند در رأی به روحانی نمایان شد. این نماینده مجلس ششم یادآور شد: در دوم خرداد ۷۶ جامعه به دنبال فضای باز سیاسی، مشارکت گسترده، دستیابی به حق حاکمیت در زندگی و معیشت خود بودند.

محمدجواد حق‌شناس هم درباره نتایج دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: قطعا دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری یک اتفاق بزرگ در تاریخ سیاسی کشور خواهد بود. در تحولات سیاسی هر مملکت روزهای تاریخی وجود دارد، در کشور ما نیز ۲۲ بهمن، دوازدهم فروردین، دوم خرداد، ۲۲ خرداد و هفتم اسفند روزهایی است که در خاطره و حافظه تاریخی کشورمان ثبت شده است. ۲۹ اردیبهشت نیز این ظرفیت را دارد که در زمره این روزها قرار بگیرد و یکی از قله‌های تاریخی ایران معاصر باشد.

او گفت: در آینده مطالب زیادی از این روز گفته خواهد شد؛ تحلیل‌ها و مقالات مفصلی در باب این اتفاق بزرگ به رشته نگارش در خواهد آمد. به نظر می‌رسد بعد از سال ۷۶ و ۸۸ انتخابات ۹۶ اولین انتخابات دوقطبی است که با مشارکت حداکثری رقم می‌خورد. برای خیلی‌ها متصور نبود که مردم پای صندوق‌ها بیایند و مشارکت ۷۳ درصدی را رقم بزنند.

این فعال سیاسی به اختلاف رأی میان دو نامزد اصلی اشاره و عنوان کرد: روحانی فاصله ۲۰درصدی نسبت به رقیب خودش داشت؛ آن هم هنگامی که علاوه بر هفته‌های اخیر در سه‌سال‌ونیم گذشته آماج حملات تبلیغاتی نامتصوری بود که حتی برخی دولت را تحقیر کردند. رسانه‌های عمومی و تیم‌های بسیاری شبانه‌روز عملکرد دولت را زیر سؤال می‌بردند.

او ادامه داد: این جریان‌ها و گروه‌ها آن‌قدر این رفتارها را تکرار کرده بودند که خودشان هم باورشان شده بود توانسته‌اند اثرگذاری لازم را در ذهن مردم داشته باشند و عملکرد دولت را پاک کنند؛ اما در روز انتخابات ما شاهد صف‌های متراکمی بودیم که افراد برای رأی‌دادن حتی چندین ساعت با وجود گرما ایستادند تا رأی خود را به صندوق بیندازند.

حق‌شناس گفت: این انتخابات شوک جدی را به بدنه جریان اصولگرا وارد کرد. به نظر می‌رسد که این هفته، هفته سختی برای آنها باشد.

او به دیر اعلام‌شدن نتایج اشاره و عنوان کرد: تقریبا همه پذیرفته بودند که آرا به نفع کدام نامزد در صندوق‌ها ریخته شده؛ اما نمی‌دانم به چه دلیلی اعلام نتایج تا ساعت ۱۴ طول کشید. ما باید به سخنان رهبری توجه کنیم که گفت در این ماجرا پیروز اصلی انتخابات مردم هستند و باید به نظر آنها احترام بگذاریم.

حق‌شناس تأکید کرد: حداقل باید وزیر کشور، فرماندار یا استاندار از مردم به خاطر طولانی‌شدن صف‌ها عذرخواهی می‌کردند. می‌دانم که این روز مانند بقیه روزهای تاریخ‌ساز در ذهن مردم باقی خواهد ماند.